

استشهاد به آیات قرآن، در کلام حضرت زهرا علیها السلام

سیده کبری عظیمی *

چکیده

بانوی نمونه اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام، از آنجا که حافظ قرآن بودند و بر معارف قرآن تسلط کامل داشتند، در سخنانشان به اقتضای کلام و در جای مناسب به آیات قرآن استشهاد نموده‌اند. در دفاع از ولایت حضرت علی علیه السلام در اثبات مالکیت خود بر فدک و همچنین در موعظه‌ها و دعا‌های خویش، آیات قرآن را تلاوت نموده‌اند.

گاه آیات را در اثبات کلام خود تلاوت نموده‌اند و گاه مفهوم الترامی آیه را در نظر داشته‌اند و گاه به ظاهر آیه احتجاج نموده‌اند.

سخنان حضرت زهرا علیها السلام به خاطر انس فوق‌العاده ایشان با قرآن، بسیار تحت تأثیر قرآن است. لذا در کلام ایشان، عبارات و تعابیر قرآنی نیز بدون آنکه آیه خاصی در کلامشان تلاوت شود، مشاهده می‌شود.

در این مقاله فقط به استشهادات قرآنی صدیقه ظاهره علیها السلام، که به منظور معرفی خویش و ترغیب مسلمانان به پاسداری از دین و سفارش به تقوی تلاوت کرده‌اند، اشاره شده است.

کلید واژه‌ها:

قرآن، اسلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام، تقوی، صبر، غذای بهشتی

مقدمه

یکی از شاخصه‌های کلام حضرت زهرا علیها السلام که از انس آن بزرگوار با قرآن و تسلط ایشان بر آیات و معارف بلند آن نشأت می‌گیرد، استشهاد به آیات قرآن و به کار بردن تعابیر قرآنی است.

آیات قرآن در کلمات آن بانوی نمونه نه تنها چهره‌ی خلیفه‌ی وقت را در عمل نمودن به قرآن افشا می‌کند، بلکه در ارزیابی شرایط خاص حاکم بر آن زمان نیز بسیار مؤثر است.

آن بزرگوار در خطابه‌ی مشهور خود در مسجد مدینه، به حدود بیست آیه از قرآن استشهاد نموده‌اند و در خطابه‌ای که در جمع زنان مهاجر و انصار ایراد فرمودند، ده آیه از قرآن را تلاوت فرمودند.

صدیق‌ه‌ی طاهره علیها السلام، گاه در دفاع از ولایت علی علیه السلام و گاه در اثبات ارث برای ذریه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمانی ضمن مواعظ و یا در بیان حالات خویش به آیات الهی استناد جسته‌اند. عبارات و تعابیر قرآنی نیز در موارد بسیاری در کلمات حضرت فاطمه علیها السلام مشاهده می‌شود.

ما در این مقاله به استشاداتی که آن بزرگوار در موعظه به مردم و برای بیان حالات خود و یا بیان تکلیف خود در مقابل آیات داشته‌اند، می‌پردازیم. این موارد را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد:

۱. معرفی خویش به وسیله‌ی آیات قرآن؛
۲. از بین نرفتن شریعت الهی با مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۳. سفارش به تقوای الهی؛
۴. استعانت از خداوند متعال؛
۵. درخواست نزول غذای بهستی.

۱. معرفی خویش به وسیله آیات قرآن

دخت بزرگوار رسول خدا ﷺ آن‌گاه که در مسجد مدینه در حمایت از حقّ خاندان پیامبر ﷺ خطبه خواندند، بعد از حمد و ثنای الهی برای اینکه مردم بخوبی موقعیت نسبی ایشان را به یاد آورند، مطابق آنچه مرسوم بود، پدر خویش را معرفی می‌کنند و در این معرفی، از آیات قرآن استمداد می‌جویند. به این ترتیب حاضران ابتدا گوینده را به خوبی خواهند شناخت، آن‌گاه به سخنان او گوش فرا می‌دهند.

أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا أَنِّي فَاطِمَةٌ وَأَبِي مُحَمَّدٌ ﷺ أَقُولُ عوداً وَبَدَأُ وَلَا أَقُولُ
مَا أَقُولُ غَلَطًا وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» ۱ «فَإِنْ تَفَرَّقُوا
وَتَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نَسَائِكُمْ وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ وَلَيَنْفَعُ
الْمَفْرُؤُ إِلَيْهِ ﷺ» ۲

این مردم! بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد است که صلوات و درود خدا بر او و خاندانش باد. آنچه می‌گویم آغاز و انجامش یکی است و هرگز ضدّ و نقیض در آن راه ندارد و آنچه را می‌گویم، غلط نمی‌گویم و در اعمالم راه خطا نمی‌پویم. «پیامبری از میان شما برخاست و به سوی شما آمد که از رنج‌های شما رنج می‌برد و به هدایت شما علاقه‌ی وافر داشت و نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم بود». هرگاه نسب او را بجوید، می‌بینید او پدر من بوده است، نه پدر زنان شما! و برادر پسر عموی من بوده است، نه برادر مردان شما و چه پرافتخار است این نسب. درود خدا بر او و خاندانش باد.»

۲. از بین نرفتن شریعتی الهی با مرگ پیامبر

حضرت زهرا علیها السلام در بخشی از خطابه‌ی معروف خود بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌گاه

که سکوت مسلمانان را در مقابل زمزمه‌های جاهلی مشاهده نمودند، فرمودند:

فَتَلِكِ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَأَمْثَلُهَا نَارِلَةً وَلَا بَائِقَةً
عَاجِلَةً أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَنْبِيَائِكُمْ وَ فِي مُنْسَاكُم وَ
مُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَنْبِيَائِكُمْ هِتَافًا وَ صَرَخًا وَ تِلَاوَةً وَ الْحَانَا وَ لَقَبْلَهُ مَا
حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسَلِهِ حُكْمٌ فَصَلِّ وَ قِضَاءٌ حَتْمٌ. «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ
قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ
يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يُضِرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»^۳.

به خدا قسم این حادثه‌ای عظیم و مصیبتی بزرگ و ضایعه‌ای است
جبران‌ناپذیر؛ ولی فراموش نکنید که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، قرآن مجید
قبلاً از آن خبر داده بود. همان قرآنی که پیوسته در خانه‌های شماست و
صبح و شام با صدای بلند و فریاد و -یا- آهسته و با الحان مختلف در
خانه‌های شما خوانده می‌شود. پیامبران پیشین نیز قبل از او با این
واقعیت روبرو شده بودند؛ چرا که مرگ فرمان تخلف‌ناپذیر الهی است.
[آری قرآن صریحاً گفته بود:] «محمد صلی الله علیه و آله تنها فرستاده‌ی خدا بود و
قبل از او رسولان دیگری آمدند و رفتند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود،
شما بر پاشنه‌ی پا می‌چرخید و به عقب برمی‌گردید [و با آیین اسلام
وداع گفته، رو به خرافات جاهلیت می‌آوردید؟] هر کس به عقب
بازگردد، به خداوند زبانی نمی‌رساند و خداوند به زودی پاداش
سپاسگزاران را می‌دهد.».

آیه‌ای که فاطمه‌ی اطهر علیها السلام در کلامشان تلاوت نمودند، زمانی نازل شده بود که
تعدادی از مسلمین در جنگ احد با سرپیچی از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و برای
جمع‌آوری غنایم از محل استقرار خود خارج شد. خالد بن ولید با دوست سوار به
مسلمین حمله کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله زخمی شد و مسلمین شکست خوردند. فردی که

پیامبر ﷺ را زخمی کرده بود، فریاد زد که «من محمد را کشتم». بدین ترتیب شایع شد که پیامبر ﷺ کشته شد، در این هنگام بعضی از مردم گفتند: اگر او پیامبر بود کشته نمی شد و بعضی دیگر گفتند: ما نیز می جنگیم تا به او ملحق شویم؛ آنگاه خداوند این آیه را نازل کرد.^۵

فاطمه زهرا(س) نیز بعد از رحلت پیامبر ﷺ آنگاه که شاهد نافرمانی مردم از حکم خدا و رسولش ﷺ بود، با استشهاد به این آیه عواقب سوء رویگردانی مردم از دین الهی را متوجه خود، آن‌ها دانسته و بر جاودانگی شریعت رسول خدا ﷺ تأکید نموده‌اند.

بانوی بزرگوار اسلام، با وجود آنکه از فقدان پدر بسیار اندوهگین است، اما با مشاهده سیر قهقرایی امت اسلام به سوی جاهلیت دوباره، بعد از مرگ پیامبر ﷺ دیگر یک دختر مصیبت زده‌ی نالان نیست؛ بلکه به منظور احیای شریعتی که پدرش مأمور به ابلاغ آن بود، به پا می‌خیزد و در یک خطابه‌ی آتشین، جاودانگی اسلام را از زبان قرآن متذکر می‌شود.

کلام خدا را با وجود آنکه در آن به مرگ پدرش یعنی عزیزترین عزیزانش اشاره می‌شود، با نهایت صلابت می‌خواند؛ تا بر اندیشه آنان که مرگ پیامبر خدا ﷺ را به معنای از بین رفتن شریعت الهی می‌دانند، خط بطلان بکشد.

۳. سفارش به تقوای الهی

و حَرَّمَ اللَّهُ الشُّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ «فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُوا
أَلَا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» وَ اطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ «إِنَّمَا
يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۷.

خداوند تحریم شرک را برای اخلاص در بندگی و ربوبیت حق قرار داد. اکنون که چنین است، «تقوای الهی پیشه کنید، آن چنانکه شایسته مقام اوست، از مخالفت فرمانش پرهیزید و تلاش کنید که مسلمان از دنیا بروید». خدا را در آنچه امر یا نهی فرموده اطاعت کنید [و راه علم

و آگاهی را پیشه گیرید] چرا که: «از میان بندگان خدا تنها عالمان و آگاهان از او می‌ترسند و احساس مسئولیت می‌کنند».

صدیقۀ طاهره علیه السلام در سخنان خود با تلاوت آیات قرآن، مردم را ترغیب نمودند که تقوای الهی را آن‌گونه که شایسته‌ی مقام ربوبی است، پیشه‌ی خود سازند، تا در حال مرگ نیز تسلیم محض الهی بوده و از هرگونه شرکت و توجّه به غیر خدا دور باشند. در حقیقت دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله ابتدا حرمت شرکت را از سوی خدا، عامل اخلاص در ربوبیت دانسته و سپس با استفاده از مفهوم التزامی یک آیه‌ی قرآن لازمه‌ی اخلاص را ترس از خدا و تسلیم محض او بودن، دانسته‌اند؛ آنگاه با تلاوت آیه‌ای دیگر حاضران را به تحصیل معرفت ذات حق دعوت می‌نمایند؛ زیرا که انسان‌های آگاه و عارف به ذات حق خشیت بیشتری از خداوند دارند و عبادات خالصانه‌تری را تقدیم حضرت حق - جل و علا - می‌نمایند.

۴. استعانت از خداوند متعال

صدیقۀ کبری علیه السلام، ضمن آن‌که مدعیان فدک را پیرو هوای نفس خود می‌دانستند، در مقابل سخنان نادرست و قضاوت باطل آن‌ها صبر می‌نمودند و از خداوند یاری می‌طلبیدند. در بخش پایانی خطابه‌ی ایشان آمده است:

كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبِرُواْ جَمِیلاً وَ اللّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُونَ^۹.

نه چنین است «هواهای نفسانی شما این کار را [در چشم شما] آراسته است. من صبر جمیل [و شکیبایی به‌دور از ناسپاسی] خواهم داشت و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم.»^۹

آیه مذکور همان سخن حضرت یعقوب علیه السلام خطاب به برادران حضرت یوسف علیه السلام است که می‌خواستند با صحنه‌سازی و دورغ پدر را فریب دهند. زهرای مرضیه علیه السلام نیز، با تلاوت این آیه، اعمال آن‌ها را با اعمال برادران یوسف تطبیق داده، بهترین مرتبه‌ی صبر

یعنی صبر جمیل را پیشه‌ی خود ساخته و از خداوند در مقابل سخنان دروغ آن‌ها، استعانت می‌جویند.

۵. درخواست نزول غذای بهشتی

صدیقه طاهره علیها السلام گاه برای طلب حاجت خود از خداوند متعال، عین آیات قرآن را تلاوت می‌نمودند و این نکته، اهمیّت دعاهای قرآنی را برای برآورده شدن حاجات روشن می‌سازد. در یکی از روزهای سخت زندگی که گرسنگی بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله فشار آورده بود، حضرت فاطمه علیها السلام وضو گرفت و پس از خواندن دو رکعت نماز دست به دعا برداشت و عرض کرد:

یا الهی و سیدی هذا محمدٌ نبیکَ و هذا علی ابنُ عمِّ نبیکَ، «الهی انزل عَلینا مائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ»^{۱۱} «کَمَا انزَلْتَهَا عَلٰی بَنِي إِسْرَائِيلَ اَکَلُوا مِنْهَا وَ کَفَرُوا بِهَا، اَللّٰهُمَّ انزِلْهَا عَلَیْنَا فَاِنَّا بِهَا مُؤْمِنُونَ».

خدایا! سرور! این پیغمبر تو، محمد صلی الله علیه و آله است و این علی علیه السلام، پسر عمومی پیغمبر توست، «ای خدای من! از آسمان برای ما مائده‌ای بفرست»؛ چنان‌که بر بنی اسرائیل فرستادی و آنان از آن غذا خوردند و ناسپاسی کردند. ای پروردگار من! آن مائده را بر ما فرو فرست که به آن مؤمنانیم.^{۱۱}

ناگهان ظرفی از غذا و طعام بهشتی نازل شد که بوی آن منزل علی علیه السلام را معطر ساخت. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه دخت گرامی‌اش وارد شدند، حضرت زهرا علیها السلام آن مائده‌ی آسمانی را نزد پدر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دخترم این را از کجا آورده‌ای؟» فاطمه زهرا علیها السلام پاسخ داد:

«هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَرْزُقُ مَنْ یَّشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ»^{۱۲}.

«این از سوی خداست. خداوند هر کس را بخواهد، بی حساب، روزی

آنگاه پیامبر ﷺ شکر خدا را به جا آورد و فرمود: «شکر می‌کنم خدایی را که تو را شبیه مریم بانوی زنان بنی اسرائیل قرار داد...»
و این نمونه‌ای از کرامات آن بانوی بزرگوار ﷺ است.

نتیجه‌گیری

دخت گرامی رسول خدا ﷺ، نه فقط در خطابه‌ها، بلکه در ادعیه و مواعظ خود نیز، آیات قرآن را تلاوت نموده‌اند. بنابراین، آن بزرگوار حافظ قرآن بودند و بر معارف قرآن تسلط کامل داشتند. در بخشی از دعای ایشان آمده است:

.... أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْمَلْنِي جاحِدَةً لِّشْنٍ وَّ مِنْ كِتَابِهِ وَّ لَا مَتَحِيرَةً
فِي شَيْءٍ وَّ مِنْ أَمْرِهِ... ۱۴؛
... حمد خدا را که مرا انکار کننده‌ی چیزی در کتابش و
سرگردان در چیزی از کار آن نگردانیده است....

پی‌نوشت‌ها

- * کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه قم.
۱. سوره توبه، آیه ۱۲۸.
 ۲. ر.ک. احقاق الحق، شوشتری، ج ۱۰، ص ۳۰۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ دلائل الامامة، طبری، ص ۱۱۳؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۹۸.
 ۳. سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.
 ۴. ر.ک. احقاق الحق، شوشتری، ج ۱۰، ص ۳۰۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ دلائل الامامة، طبری، ص ۱۱۳؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۹۸.
 ۵. ر.ک. تبیان، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۶.

۶. سورة آل عمران، آیه ۱۰۲، در قرآن «اتقوا اللّٰه» آمده است.
۷. سورة فاطر، آیه ۲۸.
۸. سورة يوسف، آیه ۱۸، در قرآن آمده است «... قال بل سؤلت لكم...»
۹. ر.ک. احقاق الحق، شوشتری، ج ۱۰، ص ۳۰۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ دلائل الامامة، طبری، ص ۱۱۳؛ من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۳۷۸؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۹۸.
۱۰. سورة مائده، آیه ۱۴۴.
۱۱. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۵۱؛ احقاق الحق، شوشتری، ج ۱۰، ص ۳۲۲. روایت مذکور در اغلب تفاسیر ذیل آیدی مذکور آمده است.
۱۲. سورة آل عمران، آیه ۳۷.
۱۳. الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۲۰؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷ و ۲۹.
۱۴. فلاح السائل، سیدین طاووس، ص ۱۷۳.

